

بعضی از واژه‌ها در زندگی زناشویی نیاز به تمیز کردن و شفاف‌سازی دارند و درست معنا نمی‌شوند. در این مقاله سعی داریم اتفاق‌ها و رفتارهایی را توضیح دهیم که در فرهنگ عامه به شکل خوبی از آن‌ها یاد می‌شود اما ارائه‌ی آن‌ها بعضی‌وقت‌ها، بازی افراد با دیگران است! بعضی از این بازی‌ها خواسته و بعضی هم ناخواسته انجام می‌شود. هر کدام از این واژه‌ها در مقطعی به کار گرفته می‌شود اما به هر جهت به دست آوردن یک دید کلی از آن‌ها، شاید بتواند در لحظه‌هایی که شرایط بحرانی را می‌گذرانید، به یاری شما بیاید. در این‌جا به توضیح تعدادی از این واژه‌های مهم می‌پردازیم:

تمیز کنیم! در زندگی زناشویی را واژه‌های آلوده شده



تفاهم

انسان‌ها دارای اعتقادات و علاقه‌هایی هستند که در سرشت‌شان، شکل گرفته و شخصیت آنان را ساخته است. برای به هم پیوستن دو نفر، این خصوصیت‌ها هستند که شدنی بودن این امر را ممکن یا ناممکن می‌سازند. در فرهنگ عامه، دو نفر که دارای خصوصیت‌های یکسانی باشند و دید و استنباطی شبیه یکدیگر از مسائل بیرون و درون داشته باشند را افرادی که با یکدیگر تفاهم دارند، خطاب می‌کنند! این کلمه در واقع دلیل اصلی برای انتخاب یک همسر مطلوب از سوی افراد بیان می‌گردد. از هر دختر و پسری که سؤال کنید برای انتخاب همسر، چند فاکتور مهم است، بلافاصله عنوان می‌کند باید با هم تفاهم داشته باشند اما متأسفانه این کلمه در جای خودش به کار گرفته نشده است. تفاهم از نگاه عام، به این معناست که افراد از یک موضوع، برداشت مشترکی داشته باشند و در نتیجه بتوانند همدیگر را در زندگی درک کنند. افراد برای شناسایی یکدیگر و پیدا کردن وجود یا عدم وجود تفاهم، به طور معمول شروع به ابراز و ارائه‌ی شرایط و خصوصیت‌ها و علایق خود در موضوع‌های مختلف می‌کنند و در صورت یکی بودن آن‌ها، بسیار خوشحال می‌شوند که با هم تفاهم دارند اما این رابطه در صورت منجر شدن به ازدواج، افراد را تبدیل به زوج‌های ناموفق می‌کند! آنان مانند هزاران زن و شوهری هستند که در اطراف خود می‌توانید ببینید و ببینید که چگونه با وجود داشتن عشق و علاقه و تفاهم در ابتدا، اکنون مشکل‌های عجیبی در زندگی‌شان نمود پیدا کرده است چراکه معنای صحیح کلمه‌ی تفاهم، چیز دیگری است. تفاهم یعنی درک وضعیت و قبول شرایط در لحظه‌ی مناسب.

این دو تفسیر به ظاهر مربوط به هم، بی‌نهایت با هم تفاوت دارند. به اعتقاد ما، نقش کلمه‌ی «تفاهم» را در زبان، باید کلمه‌ی «هم‌باشگاهی» بازی کند که متأسفانه این چنین نیست زیرا هیچ دو نفری در دنیا نیستند که عضو یک باشگاه باشند و نتوانند با هم زندگی کنند. این دو نفر حتی اگر به هیچ‌عنوان با یکدیگر تفاهم (در معنی لغت ابتدایی) هم نداشته باشند، می‌توانند شاد و سلامت در کنار یکدیگر زندگی کنند.

انسان‌ها هر کدام دارای خصوصیت‌های بد و خوب و یک‌سری عقیده‌ها و واکنش‌ها نسبت به اطراف‌شان می‌باشند. تفاهم، این نیست که این واکنش‌ها یکی باشد، بلکه پذیرفتن یک واکنش به دور از قضاوت است. به راحتی می‌توان با افرادی که دارای بزرگ‌ترین اشکالات از هر نظر هستند، زندگی راحت و آرامی داشت به شرطی که این ایرادها، از سوی شما پذیرفته شود اما فقط کافیست بخواهید خلاف این عمل کنید، نتیجه واضح است!

درحقیقت، باید معنای صحیح واژه را بپذیرید. در زمان شناسایی، به جای یافتن نقاط مشترکی که با هم دارید، به میزان قبول یا عدم قبول خصوصیت‌های غریب شخصیت همدیگر بپردازید. یافتن این که چه نقاط مشترکی دارید، برای داشتن تفاهم، اشتباه محض است، بلکه بررسی میزان پذیرش این اختلاف‌ها، برگ برنده‌ی شما خواهد بود.

از خودگذشتگی و ایثار

همه‌ی افراد دارای خواسته‌ها و شرایطی هستند که شخصیت‌شان را می‌سازد. برخی افراد در شروع یک رابطه، شروع به پنهان کردن این خواسته‌ها کرده و خصوصیت‌های بد و خوب خود را مخفی می‌سازند. این کار، انرژی زیادی می‌طلبد و به مرور زمان، باعث خستگی و ضعف فرد شده و ناگهان فرد موضوعات پنهان شده را نمایان می‌کند و این اشتباه بزرگی است که در ابتدای زندگی زناشویی برخی افراد، رخ می‌دهد. این گروه، دارای رفتارهای ناخودآگاهی هستند و به گمان خود، در رابطه با طرف مقابل، خود را فراموش کرده و از خودگذشتگی نشان می‌دهند غافل از این که معنای این کلمه را اشتباه متوجه شده‌اند و بعد از ازدواج، این خصوصیت‌ها کم‌کم خود را نمایان کرده و مشکلات بعدی را به وجود می‌آورند.

بنابراین برای به دست آوردن کسی، بازی نکنید. خود را دیگری نشان ندهید و خود را حذف نکنید. هر کس هر قدر هم که ارزشمند باشد، اگر قرار باشد برای بودن با او، شما در مقابل خود قرار بگیرید، حماقت بزرگی مرتکب شده‌اید. از خود واقعی‌تان نگذرید و آن را سرکوب نکنید تا تنها نقش بازی کنید بلکه با تفاهم (به معنای جدید)، به هم پیوندید.

زندگی مشترک

متأسفانه در ارائه‌ی این کلمه، تا حد زیادی اغراق شده است. زندگی مشترک، تصویری از زندگی است که همه‌ی زوایای آن برای هر دو شریک، آشکار و واضح است اما متأسفانه این چنین پیداست که افراد فکر می‌کنند در زندگی مشترک، باید همه چیز با هم تقسیم گردد. آنان چیزی را از یکدیگر می‌گیرند که به راحتی فقدان آن، زندگی افراد را نابود می‌کند؛ یعنی فقدان مکان و حریم تنهایی. منظور از این خلوت، خلوت‌های لحظه‌ای، مسائل غار تنهایی آقایان و یا چاه فروری خانم‌ها نیست بلکه چیزی است که باید آن را «حریم فردی» نامید. متأسفانه برخی خانم‌ها علاقه و تأثیر شدیدی در سوزاندن این حریم دارند. آنان همه چیز را مشترک می‌خواهند، درحقیقت مرد بعد از ازدواج حتی یک اتاق راحت و تنها برای خود ندارد. در مورد مردانی که خانم‌های‌شان خانه‌دار هستند، مسأله بغرنج‌تر است. خانم‌ها کل روز در خانه، دارای حریم شخصی هستند. آنان در طول روز برای خود، فضا و زمانی کامل برای رؤیاپردازی در کنار تمام مسؤولیت‌های سنگین خانه‌داری دارند. زمانی که مرد از محیط کار به خانه برمی‌گردد، زن به راحتی از مسائل خود خارج شده و به سوی مرد می‌آید و با لبخندی سرشار از عشق، از او می‌خواهد که یاری‌اش نماید و با او همگام باشد. این در حالی است که مرد، خسته از فکری که شاید نیمی از آن‌ها به زندگی شخصی‌اش مربوط نمی‌گردد، مجالی برای خود ندارد. اگر این حقیقت که مردان، نیاز به زمانی برای رؤیاپردازی دارند را فراموش کنیم، به‌طور قطع اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌ایم.

آزاده سهیلی‌فر

کارشناس مشاوره